



نویسنده: عالم بیکف *

کلمات مأخوذ از زبان فارسی

شوریه‌شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رساله جامع علوم انسانی

در زبان قرقیزی

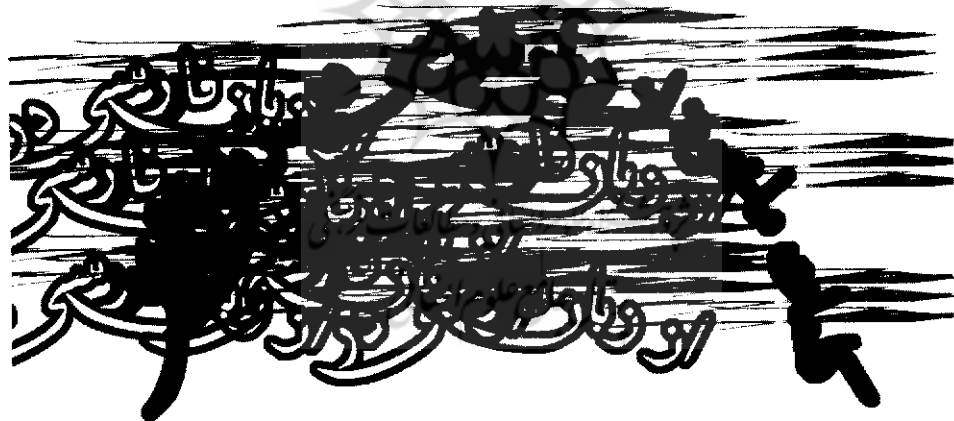
یکی از ضرب‌المثل‌های معروف قرقیزی بیان می‌کند که « Til bilbegen , Dil bilbeit » یعنی تا همدیگر را نشناسیم نمی‌توانیم دوستدار یگدیگر شویم. در این ضرب‌المثل به ضرورت آشنایی و آگاهی از همدیگر و در بهینه و وسیع‌تر. روابط متقابل کشورها و ملت‌ها با هم تأکید شده است و این نکته مقدمه‌ای است جهت شناخت و تعمیق روابط و پیوند هر چه بیشتر جوامع و ملل گوناگون.

آشنایی قرقیزها یا مردم ایران دارای تاریخ طولانی است. در ورای اسناد و مدارک تاریخی و سنگ قیور و غیره حضور و وجود بیش از ۵۰۰ واژه فارسی در زبان قرقیزی مشاهده می‌شود. بسیاری از این واژه‌ها هنوز در مقالات روزمره به کار می‌رود. ایرانی‌ها تا قبل از پذیرش دین

اسلام به واسطه تجارت با چین در مسیر راه ابرایشم با سرزمین قرقیزها، نیز ارتباط تجاری و فرهنگی داشته‌اند. بعد از پذیرش اسلام نیز به سرزمین قرقیزها غربی‌ها به استناد از سفرنامه مارکوپولو و محققان و علمای شرقی به استناد از منابع چینی، عربی و فارسی، ورود اسلام به سرزمین قرقیزها را قرن اول یا قرن سوم هجری می‌دانند.

در این ارتباط با توجه به سابقه حضور فعال و مستمر ایرانی‌ها در ابعاد اقتصادی و سیاسی و فرهنگی در منطقه بدیهی است که نقش این قوم در تبلیغ آئین محمدی بسیار اساسی و مهم بوده است.

حضور واژه‌های فارسی فراوان در زبان قرقیزی حتی تا عصر حاضر یکی از همین عناصر فرهنگی زنده و تبادل شده میان ایران و آسیای مرکزی است. محققان و متخصصان زبان قرقیزی معترفند که زبان قرقیزی در حیات خود همواره پذیرای زبان‌ها و فرهنگ‌های دیگر نیز بوده است؛ اما نسبت به تأثیر واژه‌های فارسی بر زبان قرقیزی عنایت کمتری داشته و حتی این واژه‌ها را عربی می‌دانند. به نظر می‌رسد که مقایسه نفوذ زبان فارسی با زبان عربی در زبان قرقیزی صحیح نباشد، چرا که بسیاری از واژه‌های عربی به واسطه فراگیری علوم اسلامی و رفت و آمد علماء و حجاج قرقیز به مکه و الازهرها برگرفته از متون اسلامی است. به هر حال به رغم این بی توجهی، پژوهش‌های بعضی محققان روسی و قرقیزی و لزوم بازنگری در متون ادبی و فرهنگ‌نامه‌های قرقیز نشان می‌دهد، که حضور و نفوذ زبان و ادب فارسی در زبان و ادب قرقیزی قابل توجه و دقت است.



در بررسی واژه‌های فارسی دخیل در زبان قرقیزی مشخص گردید که از مجموع بیش از ۵۰۰ واژه مورد بررسی، تعداد ۲۶۵ واژه ادبی و ۲۴۵ واژه، رایج در مکالمه و محاوره است. واژه‌های عربی نیز که وارد زبان قرقیزی شده است به واسطه کثرت استعمال در زبان فارسی، در زبان قرقیزی نیز به سبک ایرانی تلفظ می‌شود. همین واژه‌ها نیز در انتقال واژه‌های زبان‌های دیگر از جمله عربی غیر قابل انکار است.

علاوه بر واژه‌های ادبی و رایج فارسی در زبان قرقیزی، بیش از ۵۰ نام ایرانی نیز در این زبان وارد شده است، از جمله: بختیار، اسکندر، رستم، ثریا، فرح، لایلا، شسیرین و ... بیشترین

تعداد واژه‌های فارسی دخیل در زبان قرقیزی، واژه‌های مربوط به انسان، محل اقامت و محیط پیرامون او می‌شود و بعد امور اقتصادی و تجارت با ۵۶ واژه، فرهنگ عامه با ۵۲ واژه، امور سیاسی و حکومت ۴۴ واژه و امور دینی و مذهبی با ۲۴ واژه قابل ذکر است که بسیاری از واژه‌های مربوط به طبیعت و مواد حاصل از آن از جمله انواع سنگ‌های قیمتی، گیاهان و پارچه‌ها چون به عنوان کالاهای تجاری مورد معامله واقع می‌شده‌اند وارد زبان قرقیزی شده است. تغییرات تلفظی و معنایی نیز دو بعد دیگر از بررسی مقایسه‌ای واژه‌های دخیل می‌باشد که تعامل دو زبان قرقیزی و فارسی را هر چه بیشتر هویدا می‌سازد. در این خصوص نکات زیر قابل توجه است: ۱- تعدادی از واژه‌های فارسی دخیل بدون تغییرات حرفی و آوایی عیناً در زبان قرقیزی وجود دارند که حدوداً شامل ۱۲۵ واژه می‌گردند. البته بعضی از این واژه‌ها در اشکال دیگر تلفظی نیز در فرهنگ‌نامه‌ها درج شده است. برای نمونه می‌توان به واژه‌های بندر، دفتر و دوتار اشاره کرد.

۲- تعدادی دیگر از واژه‌های دخیل با تغییرات آوایی و حرفی همراه بوده است که برای نمونه واژه‌های تاج (تاجی در زبان قرقیزی) و چماق (چقمار در زبان قرقیزی) قابل ذکر است.

۳- بخش دیگر از واژه‌های دخیل دچار تغییرات حرفی (صدادار و بی صدا) شده‌اند و لسی از بعد آوایی همانند واژه‌های فارسی تلفظ می‌شوند.

تعداد این کلمه‌ها حدوداً ۱۲۰ مورد می‌باشد. برای نمونه واژه‌های حرام زاده (آرمزادا در زبان قرقیزی) و دیوار (دوبال در زبان قرقیزی) قابل ذکر است.

۵۱

۴- تعداد بسیار کمی از واژه‌های دخیل که حدوداً ۱۳ مورد می‌باشد شدیداً دچار تغییرات تلفظی شده و به سختی قابل تشخیص می‌باشند. برای نمونه هوشمند (سیومان در زبان قرقیزی) و گوگرد (کورورت در زبان قرقیزی) را می‌توان نام برد.

۵- تعدادی از واژه‌های دخیل تحت تأثیر زبان قرقیزی قرار گرفته و به شکل تلفظی قرقیزی ادا می‌شود. برای نمونه واژه‌های دیوانه (دوبانا در زبان قرقیزی) و نشان (نی شانانا در زبان قرقیزی) قابل ذکر است.

۶- تعدادی واژه در معنای معکوس خود به کار رفته‌اند. برای نمونه واژه بدبخت که در زبان قرقیزی به معنای نوعی فحش و توهین است و یا هنر که در معنای کلاهبرداری، حيله و نیرنگ و آشوب به کار می‌رود.

با توجه به تحلیل‌های ارائه شده در خصوص واژه‌های فارسی دخیل در زبان قرقیزی از ابعاد گوناگون تاریخی، دستوری، ادبی و ... آنچه که بیش از همه مشخص گردید ارتباط و آشنایی قدیمی و عمیق ایرانی‌ها با مردم و منطقه آسیای میانه و از همه مهم‌تر ضرورت تفهیم و شناساندن این امور و اشتراکات فرهنگی به جامعه معاصر قرقیز می‌باشد. امید است که با شناخت مجدد و بیشتر این تأثیرات بر تعمیق روابط دو کشور افزوده شود.